

توانمندسازی معابر و محلات شهری در برابر بزهکاری از طریق

طراحی محیطی (cpted)^۱

روح ا... بیات رستمی^۱، محسن کلانتری^۲، سعید حسنی^۳

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری

Email: rohollabayat@gmail.com

۲- عضو هیات علمی دانشگاه زنجان

Email: mohsenkalantari@znu.ac.ir

۳- دانشجوی کارشناسی نقشه برداری دانشگاه زنجان

Email: saeed.hassani7@gmail.com

چکیده

بزهکاری از جمله مهم‌ترین معضلات اجتماعی در اکثر شهرهای دنیا است، وقوع بزهکاری، بر زندگی شهروندان و بر بخش عمومی جامعه، تأثیرات منفی روحی، جسمی و مالی می‌گذارد. پژوهش‌ها نشان می‌دهد وجود برخی کاربری‌ها، تجهیزات و تأسیسات شهری در افزایش ایمنی و کاهش فرصت‌های بزهکاری نقش بسزایی دارد و در نقطه مقابل، نبود و یا کمبود برخی امکانات، باعث بروز یا تشدید بزهکاری در محله‌ها و معابر شهری می‌شود. مقاله حاضر، ضمن بررسی اصول نگرش پیشگیری بزهکاری از طریق طراحی محیطی، تأثیر استفاده از اصول و راهبردهای حاکم بر این دیدگاه در کاهش انواع جرائم و بزهکاری در شهرها را مورد مطالعه قرار داده است. نتیجه پژوهش نشان می‌دهد، استفاده از سه راهبرد قلمروگرایی، نظارت طبیعی، و کنترل دسترسی‌ها در کاهش چشمگیر نرخ جرائم در محلات و معابر شهری تأثیر فراوانی داشته است. همچنین در این مقاله مهم‌ترین جنبه‌های قلمروگرایی و افزایش تعلق خاطر شهروندان به فضاهای عمومی، استفاده از دوربین‌های مدار بسته (CCTV) و تحت نظارت قرار دادن ورودی‌های منازل، معابر و فضاهای عمومی شرح داده شده است. در ادامه مقاله به بررسی تطبیقی اجرای این نگرش و راهبردهای آن در کشورهای چون ایالات متحده آمریکا و بریتانیا پرداخته است. نتیجه این بررسی تطبیقی بیانگر آن است که اجرای نگرش کاهش و پیشگیری از بزهکاری این کشورها تأثیر بسزایی داشته است. در آخر پیشنهادهایی برای توانمندسازی معابر و محلات در برابر بزهکاری از طریق طراحی محیطی مطرح شده است.

کلید واژه‌ها: توانمندسازی، بزهکاری شهری، طراحی محیطی، پیشگیری

1. Crime prevention through environmental design

Enabling the Quarters and Urban Streets against Crime by CPTED Techniques

Abstract

Crime occurrence is one of the most significant problems in urban areas which is considered as a worrisome problem for police and urban managers. What is more, crime can cause negative and unbearable physically, mentally and financially effects on people. Also it can cause a sense of insecurity and pessimism in society. Some urban land uses, facilities and services have a major role in improving security and reducing crime opportunities. On the other side of the coin, lack of some urban facilities and services and shortage of some others cause to increase crime in neighborhoods and streets of the cities. Studying the principles of CPTED approach, this paper has investigated the application of CPTED techniques in reducing crime in urban areas.

This study shows that CPTED techniques, the relationships between the built environment and criminal behavior, can be applied to reduce the fear and incidence of crime in urban neighborhoods and streets and improve the quality of life.

According to the comparative research, there are approaching one hundred evaluated examples of the successful implementation of crime Prevention through Environmental Design in the USA and England. At the end of the article some suggestions have been made in order to enabling the neighborhoods and streets of the cities through environmental design.

Keywords: *Urban Crime, Environmental Design, Crime Prevention, Urban neighborhoods, CPTED*

۱. مقدمه

از پیامدهای ناگوار رشد و گسترش شهرها، افزایش نرخ جرم و جنایت و ناهنجاری‌های اجتماعی است. امروزه افزایش بزهکاری در شهرها یکی از چالش‌های عمده مسئولین و مدیران شهری است که بیش از پیش، آنها را با این موضوع درگیر کرده است و سعی در حل معضلات شهری و ناهنجاری‌های اجتماعی ناشی از آن دارند. رشد بزهکاری و افزایش موج جرائم بر اثر پیشرفت‌های علمی، صنعتی و رشد پدیده شهرنشینی، ارتباطات و حمل و نقل ناتوانی نهاد کیفری را در مهار موج بزهکاری روشن کرده است. لذا ضرورت توسل به اقدامات پیشگیرانه دیگر که ریشه‌های عوامل جرم را در محیط مورد بررسی قرار می‌دهند، در این زمینه لازم و ضروری به نظر می‌رسد [۳]. بررسی‌ها نشان می‌دهد، مجرمین در انتخاب زمان و مکان بزهکاری کاملاً منطقی عمل می‌کنند و مناسب‌ترین و کم‌خطرترین مکان‌ها و شرایط را برای اعمال مجرمانه بر می‌گزینند. از طرف دیگر، وجود برخی امکانات و تسهیلات شهری مانع و بازدارنده ارتکاب بزهکاری است و در نقطه مقابل، در برخی مکان‌ها امکان بزهکاری سهل‌تر است. حال با شناسایی ویژگی‌های کالبدی مکان‌های مناسب بزهکاری و با تغییر این شرایط می‌توان از بروز بسیاری از ناهنجاری‌ها در سطح شهر پیشگیری نمود و یا امکان ارتکاب آن را دشوار ساخت. از جمله نگرش‌های مطرح در جهت پیشگیری محیطی بزهکاری دیدگاه پیشگیری بزهکاری از طریق طراحی محیطی (cpted) است. این دیدگاه که از نظر مبانی نظری تا حدودی الهام گرفته از نظریه پیشگیری وضعی می‌باشد ولی در قلمرو و کاربرد محدودتر از پیشگیری وضعی است، معتقد است می‌توان با طراحی مناسب محیط‌های شهری و کاربری‌های مختلف، از ارتکاب جرم پیشگیری کرده و علاوه بر بهبود کیفیت محیط زندگی بر ترس ناشی از جرم نیز غلبه نمود. این دیدگاه، تمرکز خود را بر محیط‌های ساخته شده و جرائم مرتبط و شایع در این محدوده‌ها مانند دیوارنویسی، تخریب‌گرایی، سرقت و مزاحمت می‌باشد قرار می‌دهد. مقاله حاضر ضمن بررسی دیدگاه‌ها و راهبردهای نگرش پیشگیری بزهکاری از طریق طراحی محیطی، تأثیر این راهبردها و دیدگاه‌ها را در کاهش بزهکاری در محلات و معابر شهری و توانمندسازی این معابر و محلات برای ایمنی بیشتر را مورد بررسی قرار می‌دهد.

۲. طرح مسأله

افزایش انواع جرم و جنایت و بزهکاری و کجروی‌های اجتماعی سبب گردیده، زندگی در شهرها با مشکل مواجه گردد و با ایجاد حس ناامنی سبب سلب آسایش ساکنین شهری شود. اندیشمندان دریافته‌اند، مکان، انسان و زمان سه عنصر اصلی شکل‌گیری انحرافات اجتماعی است. بنابراین تفاوت در ساختارهای مکانی، خصوصیات رفتاری و در کنار عامل زمان، موجب می‌شود تا توزیع فضایی- زمانی، نوع و میزان جرائم در سطح شهر یکسان نباشد و در برخی محدوده‌ها به دلیل ویژگی‌های کالبدی حاکم بر آن و خصوصیات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ساکنین، امکان ارتکاب آن جرم بیشتر باشد. کشور ما ایران نیز همانند اکثر کشورهای دنیا طی نیم قرن در زمینه شهرنشینی دگرگونی‌های زیادی به خود دیده است، مهاجرت از روستا به شهرها و گسترش شهرنشینی و افزایش جمعیت شهری باعث شده است تا میزان انحرافات اجتماعی نیز نرخ بالایی به خود بگیرد، و این امر مسئولین و متولیان امنیت شهری را به این اندیشه کشیده است که برای حل این معضل، چاره‌ای بیندیشند. از آنجا که در کشور ما نگرش‌های مکانی برای مقابله با بزهکاری همانند کشورهای توسعه یافته به کار گرفته نشده است محیط‌های شهری به ویژه کلان‌شهرها از نظر کالبدی جهت کاهش بزهکاری توسعه نیافته‌اند. به جای آن در کشور ما مهم‌ترین راهکار و ابزار برای مقابله با جرم و جنایت تکیه بر قوه قهریه و برخورد‌های قضایی و انتظامی بوده است. این تجربه نشان می‌دهد که این روش به تنهایی کارایی لازم را برای کاهش مشکلات اجتماعی و پیامدهای ناگوار بزهکاری در جامعه ندارد. در حال حاضر ریشه‌یابی عوامل مکانی، اجتماعی و اقتصادی مؤثر در بروز بزهکاری در شهرها و سعی در حذف آنها نسبت به گذشته اهمیت قابل توجهی یافته است. با توجه به موارد فوق این مقاله سعی دارد با توجه به اصول و راهبردهای نگرش پیشگیری بزهکاری از طریق طراحی محیطی آن به سئوالات زیر پاسخ دهد:

- راهبردهای مطرح شده پیشگیری بزهکاری از طریق طراحی محیطی تا چه اندازه می‌تواند در کاهش نرخ بزهکاری در شهرها مؤثر باشد؟

- آیا اجرای این نگرش در کشورهایی که از این رویکرد استفاده کرده‌اند، مؤثر بوده است؟
- چگونه می‌توان اقدام به توانمند سازی معابر و محلات شهری در برابر بزهکاری با استفاده از اصول نگرش پیشگیری بزهکاری از طریق طراحی محیطی نمود؟

۳. هدف پژوهش

مهم‌ترین هدف این پژوهش بررسی اصول علمی نگرش پیشگیری بزهکاری از طریق طراحی محیطی جهت کاهش فرصت‌های بزهکاری و افزایش امنیت عمومی در سطح شهرها است. همچنین دستیابی به مناسب‌ترین پیشنهاد‌های اصلاحی و الگوهای محیطی برای کاهش میزان جرم و مطالعه بیشتر جنبه‌های کاربردی نگرش یاد شده جهت افزایش امنیت و کاهش ناهنجاری‌های اجتماعی مد نظر پژوهش است تا رابطه بین ارتکاب جرم با ویژگی‌های فضایی-کالبدی شهرها مورد تحلیل و مطالعه قرار گیرد.

۴. روش پژوهش و گردآوری داده‌ها

در انجام این پژوهش از روش توصیفی و تحلیلی استفاده شده است، گردآوری داده‌های این پژوهش به روش اسنادی انجام گرفته، همچنین به دلیل تازگی موضوع و کمبود منابع فارسی از مقالات و کتب انگلیسی استفاده شده است.

۵. پیشینه پژوهش

توجه به جرم‌شناسی محیطی و به کارگیری اصول آن در کاهش ناهنجاری‌های اجتماعی از موضوعات جدیدی است که از دهه ۱۹۶۰ به بعد مطرح شده است. خانم جین جاکوبز نخستین کسی است که در سال ۱۹۶۱ در اثر خود تحت عنوان مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکا به این موضوع پرداخت، او معتقد بود نظارت معمولی شهروندان به قابلیت حیات شهر کمک می‌کند و با طراحی و برنامه‌ریزی مناسب شهری می‌توان امکان کنترل اجتماعی برای پیشگیری از جرم و جنایت را فراهم کرد. در سال ۱۹۶۹ جفری، اولین کسی بود که عبارت پیشگیری جرم از طریق طراحی محیطی (CPTED) را به کار برد. او به برنامه‌ریزی شهری و طراحی ساختارهای شهری و واحدهای همسایگی به منظور کنترل و پیشگیری از جرم و جنایت تأکید داشت. به نظر او مراقبت‌های طبیعی شهروندان و طراحی اصولی و صحیح ساختمان‌ها و فضاهای شهری عامل مهم کنترل جرائم شهری است. در سال ۱۹۷۳، در راستای اندیشه‌های پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی و برنامه‌ریزی شهری، اسکار نیومن، دیدگاه فضای مقاوم در برابر جرم (فضای قابل دفاع) را مطرح کرد. مطالعه نیومن پاسخی به میزان بالای جرائم در شهرهای آمریکا بود. پس از جاکوبز، جفری و نیومن، مطالعات زیادی پیرامون به کارگیری اصول علم برنامه‌ریزی و طراحی شهری جهت پیشگیری از بزهکاری انجام گرفت. روهه و گرینبرگ در سال ۱۹۸۴ مطالعاتی در مورد واحدهای همسایگی شهرها انجام دادند. آنها در مطالعه خود، رابطه بین جرم و دسترسی‌های مختلف واحدهای همسایگی را بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که طراحی و برنامه‌ریزی مناسب محیط ساخته شده دسترسی به واحدهای همسایگی را کاهش می‌دهد. پرکینز در سال ۱۹۹۳ چهار و هشت بلوک از واحدهای همسایگی شهر نیویورک را مطالعه کرد و دریافت تمرکز جرائم بیشتر در تقاطع خیابان‌های اصلی واحدهای همسایگی و محل اتصال کوچه‌ها با بلوک‌های کوچک محلات صورت می‌گیرد. همچنین در سال ۲۰۰۱ فیل ام سی کاملی، در مقاله‌ای رابطه جرم، طراحی و برنامه‌ریزی شهری را با تئوری و تکنیک در استرالیا و نیوزیلند به کار می‌گیرد و راهکارهای CPTED را در پلیس NSW ارزیابی می‌کند [۹]. پژوهش دیگر، مطالعه جرایم مرتبط با مشروبات الکلی در مرکز شهر نانتینگهام می‌باشد که در سال ۲۰۰۴ انجام شده است. در این تحقیق راهبردهای مورد استفاده در کشور انگلیس برای کاهش بزهکاری در مرکز شهر و نواحی تجاری آن مورد بررسی قرار گرفته است. این تحقیق نشان می‌دهد، افزایش تعامل و مشارکت بین پلیس و مدیریت مشروب فروشی‌ها و مراکز مصرف مشروبات الکلی (عشرت‌کده‌ها) و حضور و مراقبت بیشتر پلیسی می‌تواند موجب کاهش بزهکاری در این محدوده‌ها گردد. در سال ۲۰۰۵ جای پون چانگ با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) به تحلیل جرم در پردیس دانشگاه هنگ کنگ پرداخت. در این تحقیق نقشه‌های GIS یک ابزار تحلیلی ذکر شده است که توانایی کمک به مدیران و پرسنل امنیتی برای تجدید نظر در دید سنتی‌شان نسبت به جرائم دارد [۱۵]. در کشور ما نیز پژوهش‌هایی هر چند محدود پیرامون این موضوع انجام گرفته است. در این زمینه به مقاله پژوهشی خانم نسیم ایرانمنش با عنوان «استفاده از اصول پیشگیری از جرائم از طریق طراحی محیطی در ایران»، مقاله آقای علی ایران شاهی با عنوان «نورپردازی در پارک‌ها و فضاهای شهری» و پایان‌نامه خانم مریم عبداللهی حقی (۱۳۸۳) با عنوان پیشگیری جرم از طریق برنامه‌ریزی کاربری اراضی شهری، مورد مطالعه سرقت در شهر زنجان اشاره کرد. [۴] همچنین در دو سال اخیر پایان‌نامه‌های جدید در این زمینه نوشته شده که می‌توان به پایان‌نامه‌های آقای کاظم جباری با عنوان شناسایی و تحلیل فضایی کانون‌های جرم خیز شهری با استفاده از GIS مطالعه موردی بخش مرکزی شهر تهران، آقای محمد رضا روحانی با عنوان شناسایی و تحلیل فضایی کانون‌های جرم خیز شهری با استفاده از GIS نمونه موردی شهرستان کاشان و خانم الهام عباسی با عنوان شناسایی و تحلیل فضایی کانون‌های جرم خیز شهری با استفاده از GIS نمونه موردی بزه سوء مصرف و قاچاق مواد مخدر در قزوین اشاره کرد.

به دلیل تازگی و جدید بودن موضوع و اینکه بررسی‌های مربوط به بزهکاری و جرم عموماً در حوزه علوم اجتماعی، حقوق و روان‌شناسی انجام می‌گیرد، در کشور ما، رشته جغرافیا نتوانسته است آن گونه که باید و شاید، جایگاه خود را در زمینه علت‌یابی مکانی - فضایی بروز جرائم تحکیم بخشد.

۶. مبانی نظری نگرش پیشگیری جرم از طریق طراحی محیطی

تعریف خاص و یا کلی از نگرش پیشگیری بزهکاری از طریق طراحی محیطی که مورد قبول همه باشد وجود ندارد، اما پیشگیری از جرم می‌تواند به طور کلی در دو هدف کاهش حقیقی جرم و افزایش در احساس سلامتی و امنیت تعریف شود. [۱۳] مطابق دیدگاه پیشگیری از بزهکاری، می‌توان با اصلاح نوع طراحی واحدهای مسکونی و با در نظر گرفتن وضعیت مسکن همجوار آن از ارتکاب جرائم علیه اموال پیشگیری نمود. این فرآیند، پیشگیری جرم از طریق طراحی محیطی (CPTED) نامیده می‌شود. [۱۴] این نگرش، ابزاری است که امکان استفاده از پیش‌بینی‌ها را قبل از عمل تأیید و امکان وقوع جرائم احتمالی را کاهش می‌دهد. پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی، روشی است که مفاهیم توان‌بخشی، حبس و مجازات را رد می‌کند. [۱۲] اصل کلی دیدگاه فوق، بر ساخت و اصلاح مؤثر محیط بنا شده است تا بدین وسیله، بزهکاری کاهش، احساس امنیت شهری افزایش و کیفیت زندگی ارتقاء یابد. برخلاف نگرشی که در آن، برای جلوگیری از بروز انواع جرائم از وسایل ایمنی شخصی مثل قفل، نرده، درب‌های ایمنی و گشت‌های امنیتی و غیره استفاده می‌شود، پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی کیفیت محیط زندگی را برای جلوگیری از جرائم افزایش می‌دهد و هدف اصلی آن حداکثر استفاده از فضاهای شهری است. [۶] دیدگاه (CPTED) بر این عقیده پایه‌ریزی شده است که با طراحی صحیح و استفاده مناسب و مؤثر از محیط ساخته شده به وسیله انسان، امکان کاهش میزان بزهکاری، افزایش امنیت و در نهایت بهبود کیفیت زندگی بشر فراهم شود. [۱۴]

هدف این دیدگاه، ساخت محیطی ایمن در برابر رفتار و تصمیم‌گیری بزهکاران است این دیدگاه فرصت‌های بزهکاری را به وسیله افزایش احساس خطر در میان بزهکاران می‌کاهد، از سوی دیگر باعث می‌شود تا اقدامات مجرمانه به تلاش بیشتری توسط مجرمان نیاز داشته باشد [۹] هدف اصلی طراحی بر علیه جرم^۱، مقابله با بزهکاری است. و آن شامل پیشرفت در طراحی محیط‌های جدید برای از بین بردن اشکال پایدار جرم در مقابل محیط‌هایی است که جاذب بزهکاران هستند. [۱۱].

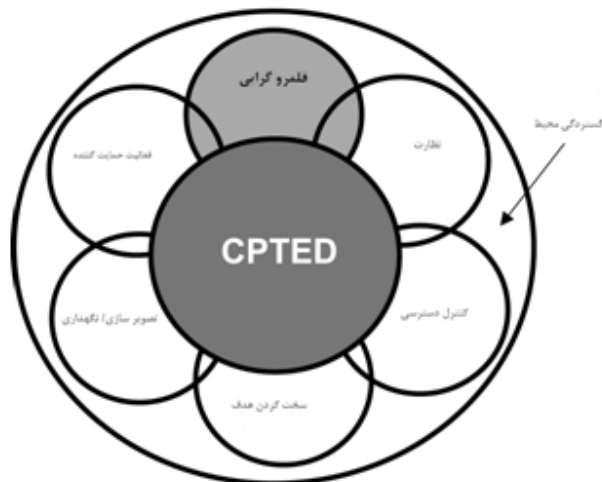
این دیدگاه، شامل طراحی فضای کالبدی در زمینه استفاده طبیعی از محیط پیرامون می‌باشد که در عین حال رفتار پیرامون این فضا را نیز در نظر دارد. دیدگاه یاد شده بر ارتباط بین اهداف کاربردی، بهره‌فضایی و مدیریت رفتار تأکید دارد. [۶] این نگرش بر ایجاد محیطی ایمن در برابر خطرات احتمالی مجرمان و همچنین تأثیر محیط‌ها بر کاهش یا افزایش جرم اشاره می‌کند که در آن، از طریق راهبردهای این نگرش، جامعه از خطرات بزهکاری در امان می‌ماند.

در نگرش فوق، طراحی مناسب و کاربری مؤثر محیط و ساختمان است که منجر به کاهش جرم و ترس ناشی از جرم می‌شود. به عبارت دیگر، طراحی مناسب و استفاده درست از محیط می‌تواند علاوه بر بهبود کیفیت زندگی، از ترس ناشی از جرم و وقوع جرم پیشگیری نماید. در واقع نگرش یاد شده بر این اندیشه و فکر مبتنی است که رفتار انسانی در یک محیط شهری کاملاً تحت تأثیر طراحی محیط است. آثار مثبت نگرش فوق در محله و معابر این خواهد بود که علاوه بر بهبود کیفیت محیط زندگی، ایجاد حس مالکیت کرده و میزان جرائم را کاهش داده و حتی موجب افزایش قیمت خانه و زمین در آن محل خاص خواهد شد. [۵].

۷. راهبردهای اصلی پیشگیری جرم از طریق طراحی محیطی

سه راهبرد اصلی پیشگیری جرم از طریق طراحی محیطی عبارتند از:

- قلمرو گرایی
- نظارت طبیعی و غیررسمی
- کنترل دسترسی‌ها



شکل شماره ۱- مفاهیم و اصول پایه پیشگیری از بزهکاری از طریق طراحی محیطی (منبع: [۸])

۷-۱. قلمروگرایی

بخشی از شخصیت وجودی هر فرد، مکانی است که خود را با آن می‌شناسد. میان فرد و آن مکان رابطه عمیقی وجود دارد که این رابطه را می‌توان به خود همانی فضا تعبیر کرد. یکی از مهم‌ترین اثرات محیط تعلق مکانی است که تا حدود زیادی با هویت مکانی در ارتباط است. تعلق مکانی، در واقع رابطه هم پیوندی است که میان انسان و محیط برقرار شده است. عامل قلمرو، نشانه مالکیت یا تحت سرپرستی بودن یک منطقه است که هم موجب می‌شود ساکنان بر یک منطقه نظارت داشته باشند و هم به طور نامحسوس با اخطار به مجرمین به اینکه در حال قدم گذاشتن به حریم خصوصی افراد هستند مانع کار آنها شوند. همان‌گونه که اسکار نیومن، اظهار می‌دارد طراحی مناسب محیط می‌تواند، معین کند که کدام فضا متعلق به چه کسی است. وقتی در اثر طراحی مناسب، مشخص شود که کدام فضا متعلق به چه کسی است و فضاهای عمومی، خصوصی و نیمه عمومی از یکدیگر تفکیک شدند و ساکنین نسبت به این فضاها احساس تعلق کردند، این مسأله موجب خواهد شد که غریبه‌ها کاملاً از ساکنان متمایز شوند. مکان‌هایی که احساس می‌کنیم مال ماست برای اینکه احتمال تجاوز به آن وجود دارد به آنها توجه می‌کنیم و از زندگی در آنها لذت می‌بریم همچنین از این مکان‌ها بیشتر محافظت می‌کنیم یا اینکه، آنها بیشتر به آن مکان احساس تعلق خاطر یا وابستگی می‌شود. طراحی برنامه‌ریزی و اداره مکانی کارا و مؤثر، به تحریک طبیعی پلیس اجتماعی کمک می‌کند. [۵]

قلمروگرایی، روشی از طراحی است که بر تقویت افکار مالکانه تأکید می‌کند و یک احساس مالکیت در استفاده‌کنندگان قانونی آن فضا به وجود می‌آورد که در نتیجه آن فرصت‌های جرم برای بزهکاران با استفاده از ایجاد مانع برای استفاده‌کنندگان غیر قانونی، کاهش می‌یابد. در این نگرش اصل نخستین، حفاظت است که یکی از اصول اساسی دیگر اصول نگرش فوق است [۸]. به عبارت دیگر طراحی فضاهای شهری باید به گونه‌ای باشد که فضاهای عمومی، خصوصی و نیمه‌خصوصی از یکدیگر متمایز باشند، زیرا اگر این فضاها متمایز شوند هر فرد نسبت به فضای خود احساس تعلق خواهد کرد و در نتیجه در صورت ورود افراد غریبه یا مهاجم، وی را مورد مراقبت و نظارت قرار خواهد داد [۵]. قلمروگرایی بیشتر بر این اندیشه استوار است که طراحی شهری سبب تسهیل نشانه‌های روان‌شناختی مالکیت ساکنین بر فضاها شود، حتی اگر مالکین حقیقی مؤسسه‌های عمومی باشند. فضاهایی که با این دید سازماندهی و طراحی شده باشند علاقه خصوصی به مالکیت و مکان را به املاک عمومی گسترش می‌دهد تا ساکنین انرژی بگیرند و نگرشهای مالکانه اتخاذ کنند و اختیارات قدرتمند قلمروگرایی را اعمال کنند. بی‌تردید این موضوع به عنوان یک عامل باز-

دارنده طبیعی و مهم عمل می کند، در نتیجه با طراحی که در آن مسأله قلمروگرایی منظور شده باشد، حتی مستأجرهای منازل دولتی برانگیخته می شوند تا از فضاهای خارج از آپارتمان های خود که مالکشان نیستند، نیز محافظت و دفاع کنند [۱].

۲-۷. نظارت طبیعی

با طراحی مناسب فضاهای کالبدی می توان فرصت ها برای نظارت طبیعی و غیررسمی ساکنان را افزایش داد. نظارت طبیعی بخشی از برنامه حفاظت از محله است. اگر مجرم تصور کند که در صورت ارتکاب جرم تحت نظارت و مراقبت قرار خواهد گرفت احتمال ارتکاب جرم توسط وی کمتر خواهد شد، زیرا وی در فرآیند گذار از اندیشه به عمل، منافع و خطر ارتکاب جرم را می سنجد، مجرم می داند که در این محله به علت نظارت بالقوه، احتمال دخالت ساکنان، پلیس و در نهایت دستگیری بالا است. بنابراین، از ارتکاب جرم منصرف خواهد شد. در تحقیق از سارقین مشخص شد که آنها بر اهمیت نظارت ساکنان محله صحنه گذاشته اند و بعد از مالکان، همسایگان را مهم ترین افراد برای نظارت بر محله معرفی کرده اند. نظارت بر سه گونه است: غیر رسمی یا طبیعی (از طریق پنجره ها)، رسمی یا سازمان یافته، و مکانیکی (روشنایی و CCTV). نظارت طبیعی و غیر رسمی وقتی محقق می شود که منزل به گونه ای طراحی شود که ساکنان بتوانند به راحتی هم به فضاهای عمومی و هم نیمه خصوصی کاملاً نظارت داشته باشند. این نظارت معمولاً از طریق پنجره ها ممکن می شود. به نظر جاکوبز، نظارت طبیعی بدین معنا است که ساکنین منازل قادر باشند حیاط، گاراژ یا پارکینگ خیابان را مشاهده نمایند. نظارت رسمی یا سازمان یافته نظارتی است که توسط افرادی مانند محافظان امنیتی یا نگهبانان انجام می شود. نظارت مکانیکی با بهبود روشنایی و نصب دوربین های مدار بسته (CCTV) قابل اجرا است. مجموعاً بهبود نظارت اعم از طبیعی، رسمی (نگهبان) و مکانیکی (CCTV و نورپردازی مناسب فضا) در کاهش جرم و ترس ناشی از جرم مؤثر است. [۵] سارقین اغلب از رفت و آمد در مکان هایی که بر آن نظارت کافی انجام می گیرد، می ترسند. بنابراین می توان به وسیله ایجاد دید مؤثر بین مکان عمومی و خصوصی به نظارت طبیعی دست یافت. موقعیت ساختمان ها، دسترسی ها و مکان های ملاقات با نورپردازی مناسب و با به کارگیری شبکه بندی معابر جذاب خطر جرم را کاهش می دهد [۹]. مطالعات زیادی درباره تجهیزات روشنایی، سطوح و استانداردهای روشنایی وجود دارد اما مطالعاتی که به تأثیر روشنایی در میزان جرم و ترس از جرم می پردازند اندک است. یکی از موارد استثنا، تحقیق اخیر پینتر و فارینگتون در مورد خانه های سازمانی دادلی انگلستان است که نشان می دهد بهبود وضع روشنایی نه تنها ترس انجام جرم را کاهش می دهد بلکه باعث می شود تا میزان بزهکاری در محله های مجاور نیز کمتر شود [۱].



تصویر شماره ۳- پارکینگ خودرو با سقف و دیوارهایی نقاشی شده به رنگ روشن که اغلب احساس گستردگی فضا را به انسان القاء می کند. [۹]



تصویر شماره ۲- جذب انسانها با استفاده بهینه از فضای پارک و با ایجاد تعادل بین کاربری ها. [۹]

۳-۷. کنترل دسترسی ها

کنترل دسترسی یکی از راهبردهای اصلی نگرش پیشگیری بزهکاری از طریق طراحی محیطی است که بر کاهش فرصت‌های مجرمانه متمرکز است. کنترل دسترسی‌ها و نظارت ورودی‌ها در برگیرنده هر سه راهبرد نظارت غیررسمی یا طبیعی (مانند تعریف فضا)، نظارت رسمی و سازمان یافته (مانند استخدام یک نگهبان) و نظارت مکانیکی (مانند نصب قفل یا آیفون تصویری) است. تحقیقات نشان می‌دهد، مناطقی که دارای ورودی‌های دسترسی نامنظم و بی‌قاعده‌ای هستند نسبت به مناطقی که دارای ورودی و دسترسی محدودی هستند جرائم بیشتری را تجربه می‌کنند. علاوه بر این مطالعات نشان می‌دهد خانه‌هایی که در ابتدای محله (سرکوجه) واقع می‌شوند نسبت به خانه‌هایی که در داخل و مرکز کوجه قرار دارند، بیشتر مورد سرقت قرار می‌گیرند. مضاف بر اینکه، خانه‌هایی که دسترسی به آنها آسان است مانند خانه‌هایی که در تقاطع چهارراه‌ها واقع شده‌اند نسبت به مناطق مسکونی که دسترسی به آن محدود است (مانند کوجه‌های بن‌بست) میزان سرقت در آنها بیشتر است [۵]. کنترل معابر طبیعی مربوط به درها، نرده‌ها، بوته‌های اطراف ساختمان و دیگر عوامل می‌شود که از ورود افراد ناشناس به داخل خانه جلوگیری می‌کنند [۶]. می‌توان به وسیله ایجاد چشم‌اندازها و موقعیت‌های فیزیکی که هرگونه نقل و انتقال و حرکت گروهی عابران پیاده در داخل مناطق را محدود می‌کند به یک کنترل دسترسی کارا دست یافت [۹].



تصویر شماره ۵- عدم وجود کنترل بر این مکان سبب می‌شود تا بزهکاران، تجهیزات خود را در آن پنهان کنند و قربانی خود را به تله بیاندازند. بزهکاران بیشتر مکان‌هایی شبیه به این را می‌پسندند [۹]



تصویر شماره ۴- قرار دادن عابرانک‌ها در مجاور کوجه کور باعث ایجاد خطر بزهکاری غیرقابل کنترل می‌شود. [۹]

۸. سایر اصول پیشگیری از طریق طراحی محیطی

نگرش فضای قابل دفاع بر این نکته تأکید دارد که میزان امنیت در یک فضا بستگی به درک و تصویری دارد که ساکنین و محله‌های مجاور از آن فضا دارند. اگر ساکنان تصویر بدی از فضا داشته باشند احتمال ارتکاب جرم در آن فضا بیشتر خواهد بود. ارتقاء و بهبود تصویر مثبت از محیط و حفظ و نگهداری مناسب و روزانه از محیط این اطمینان را به ساکنان می‌دهد که محیط فیزیکی کارکرد خود را به طور مؤثری انجام داده و موجب انتقال پیام‌های مثبت به تمام ساکنان و کاربران فضا خواهد شد. تحقیقات زیادی ثابت می‌کند که میان نگهداری و حفاظت محیط شهری با کاهش جرائم رابطه وجود دارد. هر چه محیط و محله بهتر نگهداری شود علاوه بر آنکه قلمروگرایی را میان ساکنان افزایش می‌دهد، احساس تعلق به محله را ارتقاء داده و این حس را القاء خواهد کرد که این محله دارای فضای امنی است و کوچکترین انحراف و خطایی در این محله با واکنش روبرو خواهد شد.

خانه‌ها و فضاهای خالی و بی‌صاحب به مانند یک آهن‌ربا در برابر جرم عمل می‌کنند. این بخش از مفهوم نگرش پیشگیری بزهکاری از طریق طراحی محیطی با نظریه پنجره‌های شکسته^۱ رابطه تنگاتنگی دارد. [۵] ارتباط محیط‌های شهری خشن و بهم ریخته با افزایش جرم به نظریه پنجره‌های شکسته تعبیر می‌شود. این نگرش به وسیله (ویلسون) و (کلینگ) در سال ۱۹۸۲ ارائه شد [۲]. این تئوری پیشنهاد می‌کند که تکرار وقوع جرایم می‌تواند واحدهای همسایگی را به رو به زوال بکشد. متأسفانه آثار این خرابی (تراکم آشغال، پنجره‌های شکسته، خرابی فضای بیرون ساختمان‌ها) در واحدهای همسایگی برای یک مدت زمان طولانی باقی می‌ماند و انسان‌هایی که در این مناطق کار و زندگی می‌کنند احساس آسیب پذیری و عدم امنیت کرده و شروع به ترک آنجا می‌کنند. [۱۰] به عبارت دیگر اگر یک محله تمیز باشد، دیوارنویسی‌ها سریع پاک شود و هرگونه خرابی به سرعت تعمیر شود، این تصور در ذهن همه ایجاد خواهد شد که این محله ملک بدون صاحب نیست، علاوه بر اینکه تمیزی محیط می‌تواند تصویری مثبت القاء کند. اصطلاحی که امروزه در این بخش به کار می‌رود مدیریت امنیت و فضای قابل مدیریت (در برابر فضای قابل دفاع) است [۵].



تصویر شماره ۶- برداشتن سریع آثار جرم قبلی سبب کاهش انگیزه بزهکاری مجدد می‌شود. [۹]



تصویر شماره ۵- نگهداری مناسب از فضا اغلب استفاده خوب و نظارت خوب را القاء می‌کند. [۹]

در خاتمه، مشاوران و دست اندرکاران نگرش بالا راهبردهای اصلی و برگرفته از مکان قابل دفاع از جمله مراقبت و کنترل راه ورود را با روش‌های اجرایی آنها طبقه‌بندی کرده‌اند. برای مثال کرو نظارت را در ارتباط با سه عنصر تعریف می‌کند: نظارت طبیعی، مراقبت سازمان‌دهی شده و مراقبت مکانیکی. در جدول پایین این طبقه بندی را ملاحظه می‌کنیم:

جدول شماره ۱- ارتباطات بین راهبردهای فضای قابل دفاع و راهبردهای نگرش پیشگیری بزهکاری از طریق طراحی محیطی

راهبردهای فضای قابل دفاع (نیومن)	راهبردهای نگرش پیشگیری بزهکاری از طریق طراحی محیطی (کرو)
قلمروگرایی (تعریف حدود قلمروها)	تعریف حدود مکان تحت کنترل
قلمروگرایی تعریف حدود (مرز) کنترل راه ورود (کنترل دسترسی ها)	تعیین مناطق گذر که به وضوح علامت گذاری شده اند
نظارت کنترل راه ورود (کنترل دسترسی)	توجه به محل های اجتماع
تصور و محیط؛ فعالیت‌زایی	فعالیت‌های به لحاظ مکانی امن در محل‌های ناامن
تصور و محیط؛ فعالیت‌زایی	فعالیت‌های به لحاظ مکانی ناامن در مکان‌های امن
تعریف حدود کنترل راه ورود(کنترل دسترسی)	کاهش تعارض کاربری با موانع طبیعی
-	برنامه‌ریزی بهتر برای مکان
مراقبت	افزایش مراقبت طبیعی در مکان از طریق طراحی
-	غلبه بر فاصله و انزوا از طریق ارتباطات

منبع: [۱]

۹. بررسی تطبیقی اجرای نگرش پیشگیری بزهکاری از طریق طراحی محیطی در بریتانیا و ایالات

متحدہ آمریکا

شکی نیست که ایالات متحده آمریکا و انگلستان هر دو در رابطه با ترس از جرم و بزهکاری با مشکلات عمده‌ای مواجه هستند شواهد به دست آمده از هر دو کشور نشان می‌دهد که در میان عوامل مولد نگرانی در بین مردم درباره کیفیت زندگی در دنیای کنونی، احساس ناامنی و ترس از جرم در رتبه اول یا رتبه‌های نخستین قرار دارد. تحقیقات نشان می‌دهد با وجود آنکه میزان ارتکاب جرم در ایالات متحده در بیشتر سالهای دهه ۱۹۹۰ رو به کاهش بوده است، ولی بررسی‌های اجتماعی حکایت از استمرار نگرانی شهروندان آمریکایی از بابت معضل جرم یا ترس آنها از تأثیر احتمالی آن بر زندگی، زندگی خانوادگی و محل زندگیشان می‌کند.

۹-۱. آمریکا

نگرش پیشگیری بزهکاری از طریق طراحی محیطی و اقدامات و تجربیات وابسته به آن را می‌توان در محله‌های مسکونی در سرتا سر آمریکا و کانادا یافت. از این موارد، یکی از بهترین آنها که ثبت شده، محله فایو اوکس است، جایی که اقدامات طراحی شده توسط اسکار نیومن (تغییر الگوی عبور و مرور، افزودن دروازه و حصار، مستحکم کردن هدف و بهینه‌سازی) در تلفیق با روشهای پلیسی جامعه‌گرا طبق گفته مردم باعث کاهش پانزده درصدی میزان جرم بین سالهای ۱۹۸۹ و ۱۹۹۳ و کاهش بیست و شش درصدی بین سالهای ۱۹۹۲ و ۱۹۹۳ شد. دیگر کاربردهایی که به طور گسترده‌ای گزارش شده‌اند در پروژه‌های خانه‌سازی عمومی (دولتی) مختلفی در سراسر کشور یافت می‌شوند از جمله در سین سیناتی، چستر، پنسیلوانیا، لویی ویل، کنتاکی و... از جمله بهترین موارد مسکونی مستند شده، شامل خانه‌سازی عمومی و مطالعات محله‌ای را می‌توان در انتشارات مؤسسه ملی دادگستری با عنوان: حل مسأله جرم در محله‌های مسکونی، تغییرات جامع در طراحی، مدیریت و کاربرد یافت که تحقیقات و ارزیابی مفصلی از چهار منطقه مسکونی ارائه می‌کند که اقدامات پیشگیری جرم از طریق طراحی محیطی در آنها آغاز شده است.

این تحقیق موسسه ملی دادگستری به این نکته اشاره می‌کند که این موارد نشانگر این هستند که تاکتیک‌های پیشگیری بزهکاری از طریق طراحی محیطی (cpted) به طور حتم جرم را کاهش می‌دهد [۱].

۹-۲. انگلستان

اگرچه برنامه طراحی ایمن از زمان آغاز اجرای خود در انگلستان از سال ۱۹۸۹ نزدیک به یک دهه به روش سابق بوده است ولی در حال حاضر اطلاعات و تجربیات بیشتری در مورد اهداف مورد نظر این برنامه به دست آمده است و حاکی از موفقیت‌آمیز بودن این طرح در این کشور دارد. برای مثال سندی که اهداف تبلیغاتی موضوع برنامه مبارزه شهر ناتینگهام را طی دوره سالهای ۱۹۹۲ و ۱۹۹۷ نشان می‌دهد موضوعات زیر را تحت عنوان جنگ بر علیه جرم توصیف می‌کند:

در گذشته سنت آن^۱، به طور مشخص به عنوان یکی از جرم خیزترین مناطق در کشور، تیرهای مطبوعات ملی را به خود اختصاص داده بود، با توجه به اینکه این شهر حقیقتاً پر از توزیع کنندگان مواد مخدر و کسانی است که مرتکب ماشین‌دزدی می‌شوند. یک منطقه خشن است و پی برده شد که شبکه کوچکی از خیابان‌های بن بست، پناهگاه‌هایی برای اهدافی چون دزدی ماشین، دزدی از خانه و جرائم خشونت‌بار بوده است. جرم و ترس از جرم برای ساکنان محلی در سرتاسر برنامه اولویت شماره یک بود و البته چنین باقی می‌ماند. همکاری پلیس، شورای شهر، ساکنان و کسبه محله باعث کاهش ۵/۷ درصدی در کل جرائم شد؛ این کاهش یک دستاورد مهم بود و به طور مطلوبی با آمار جرم کشوری و شهری مطابقت دارد.

یک نظرخواهی در مورد دیدگاه‌های ساکنان در مورد جرم در منطقه مبارزه شهری در سال ۱۹۹۵ صورت گرفت که آمار را تصدیق می‌کرد و نشان می‌داد که مردم درک می‌کنند که در منطقه، نسبت به سال ۱۹۹۳ که بار اول نظرخواهی شد، جرم کمتری وجود دارد. این مبارزه یک برنامه بنیادی بهینه‌سازی شرایط امنیتی را در ایالت سنت‌آن اجرا کرد: بستن کوره‌راه‌هایی که مورد نیاز نبودند، ایجاد فضای پارکینگ در نزدیکی خانه‌ها، فراهم نمودن مسیرهای پیاده‌روی امن برای ساکنان با روشنایی خوب و خلاص شدن از شر مناطق مخفی، نصب هزاران درب مقاوم، کارگذاری قفل و چفت برای پنجره‌ها و درها و خرج کردن بیش از سه میلیون پوند برای این موارد [۱]. با توجه به مطالب بالا می‌توان نتیجه گرفت که با به کارگیری اصول و راهبردهای نگرش یادشده در دو کشور آمریکا و انگلستان، میزان جرم در شهرهای آنها به میزان چشمگیری کاهش داشته و موجب امنیت بیشتر در معابر و محلات شهری این دو کشور، نسبت به سالهای قبل از اجرای این اصول شده است.

۱۰. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

بزهکاری از جمله مفاهیمی است که به شدت تحت تأثیر مشخصه‌های مکانی و زمانی، زمینه‌های فرهنگی، مناسبات اجتماعی، ساختار اقتصادی، ملاحظات سیاسی و الزامات ایدئولوژیک قرار دارد. لزوم برقراری نظم، امنیت و انسجام اجتماعی سبب شده است تا در تمامی جوامع، همواره رویارویی با بزهکاری مورد توجه قرار گرفته و حائز اهمیت باشد.

نکته مهم اینکه طی سال‌های اخیر، در مجامع علمی جهان، علاقه و توجه وافر به تحلیل رابطه مکان و بزهکاری و مطالعه تأثیر متقابل انسان و محیط و شرایط و زمینه‌ها در شکل‌گیری الگوهای مکانی بزهکاری به وجود آمده است. این نگرش نو در عرصه مقابله و پیشگیری از بزهکاری، نظام انتظامی و قضایی بسیاری از کشورهای توسعه یافته را تحت تأثیر قرار داده است و سبب شده تا اقدامات پلیسی و اعمال قانون برای مقابله با بزهکاری بر پایه این اندیشه‌ها استوار شود. نتیجه امر حاکی است، کشورهایی که با این رویکرد اقدام نموده‌اند، در مبارزه با بزهکاری و افزایش ایمنی و آسایش مردم خود توفیق بیشتری داشته‌اند، همانطور که در مورد آمریکا و انگلستان شاهد بودیم. بررسی مشخصات کالبدی، خصوصیات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ساکنین، نوع کاربری اراضی و کارکردهای اصلی مکان‌های شهری و سعی در ایجاد تغییرات بنیادی در عوامل به وجود آورنده و تسهیل‌کننده فرصت‌های

جرم و طراحی فضاهای کالبدی مقاوم در برابر ناهنجاری بیش از پیش اهمیت یافته تا بدین وسیله امکان کنترل، پیشگیری و کاهش نرخ ناهنجاری‌های شهری فراهم آید. در واقع می‌توان گفت: برخی مشخصات کالبدی و اجتماعی در وقوع جرم مؤثر است و می‌توان با تغییر ساختار فضا اعم از نحوه نورپردازی معابر، وجود مراکز تفریحی و گذران اوقات فراغت، طراحی مناسب ساختمان‌ها و شهرسازی با برنامه، طراحی و مهندسی مناسب محیط و منظر، همچنین حضور و نظارت پلیس و بکارگیری تجهیزات، ابزار و فناوری‌های نوین در مقاطع زمانی خاصی بر یک مکان ویژه، می‌توان از وقوع بزهکاری پیشگیری نمود.

بنابراین پیشگیری جرم از طریق طراحی محیطی، یک استراتژی مهم برای دست یافتن به کیفیت زندگی با کاهش جرم و ترس از جرم است. طراحی موفق محیطی می‌تواند به جلوگیری از جرایمی مانند تجاوز شخصی و خرابکاری که هدف عمده کاهش جرم از طراحی محیطی است، کمک کند. انسانها اگر در معرض دید باشند احتمال کمتری وجود دارد که مرتکب جرم شوند برعکس مردم ممکن است که احساس راحتی کنند اگر آنها بدانند که دیگران آنها را می‌بینند.

بعضی از افراد که بزهکار نیستند به دلیل اینکه محیط را مناسب برای بزهکاری می‌بینند دست به اعمال مجرمانه می‌زنند در عوض، بزهکارانی که هدف آنها اعمال مجرمانه است چون محیط را برای این منظور مناسب نمی‌بینند از اقدام خود منصرف می‌شوند. بنابراین طراحی مناسب محیطی می‌تواند به ایجاد مکان‌هایی که کمتر مستعد بزهکاری هستند کمک کند و از اعمال و رفتارهایی که سبب بروز جرم و ناهنجاری‌های اجتماعی در محیط‌های شهری است، پیشگیری کند. نگرش یادشده با توجه به راهبردهایی که برای آن بیان شد به دنبال این است که با بالا بردن احساس تعلق به مکان، تفکیک میان فضاها، افزایش رویت پذیری و نظارت و محدود کردن دسترسی فرصت‌های مجرمانه را کاهش دهد. البته این تئوری مدعی این نیست که می‌تواند جرم را از بین ببرد یا ریشه کن کند بلکه این تئوری در قالب بخشی از یک سیاست جامع پیشگیری می‌تواند کارایی بسیاری داشته باشد. در خاتمه، با توجه به نتایج حاصل از این پژوهش و به منظور کاهش نرخ بزهکاری، پیشنهادهایی در جهت کنترل و مقابله با ناهنجاری‌های شهری تهیه شده است:

- برای مکان‌هایی که برای استفاده در شب است، چهره طرف مقابل حداقل از فاصله دو متری قابل رویت باشد.
- پیاده‌روهای باریک و مسیرهای دسترسی به بیرون فضاهای عمومی بخوبی روشنایی داشته باشد.
- نورپردازی مناسب معابر و خیابان‌ها، حصارکشی ساختمان‌های رها شده و اراضی متروکه، سامان‌دهی و توانمندسازی ساخت و سازهای کالبدی و توسعه اجتماعی در محلات.
- از نصب روشنایی در مناطقی که ایجاد سایه می‌کنند و یا روشنایی زنده دارند، جلوگیری شود.
- تعمیر سریع روشنایی‌های آسیب دیده و خراب.
- ایجاد نظارت آشکار برای عابران در پیاده‌روها و مخصوصاً در تونل‌ها و اجتناب از نقاط دام افکن و منزوی شهری.
- اضافه کردن تلفن‌های اضطراری و دوربین‌های تصویری در صورت امکان.
- ترکیب ورودی‌های پرپیچ و خم در معابر عمومی برای اجتناب از منزوی شدن به وسیله یک اتاق انتظار یا سیستم ورودی دودره.
- در راه‌های باریک و مناطقی که با بوته‌زارهای طبیعی پوشیده شده، ارتفاع بوته‌زارها در لبه این مناطق حداقل به یک الی دو متر کاهش یابد تا هم زیبایی محل را حفظ کند و هم از ایجاد نقاط کور و تاریک اجتناب شود.
- مشخص کردن مرزها، که استفاده‌کنندگان امکان دیدن و دیده شدن داشته باشند و استفاده از حصارهای کوتاه یا درختان کوتاه و یا حصارهایی مانند زنجیر، پلاستیک شفاف و تیرهای چراغ برق.
- اجتناب از گوشه‌های تند و تغییرات ناگهانی در معابر که دید موردنظر در ورودی‌ها را کاهش می‌دهند، و حصارهایی که در مسیر دارای دید نفوذ پذیر نیستند. [7]
- سکوها و مکان‌های استراحت، مجاور مناطقی با ترافیک بالا یا افق دید باز و قابلیت دید بالا، مکان‌یابی شوند.

- طراحی ساختمان‌هایی که بر خیابان‌ها و فضاهای عمومی مشرف و مسلط‌اند، مانند طراحی پنجره‌ها و راهروها مشرف بر خیابان‌ها و دیگر فضاهای عمومی.
- قرار دادن آشپزخانه‌ها و اتاق‌های نشیمن در طرف رو به خیابان و فضای عمومی ساختمان.
- استفاده از موادی که در مقابل حروف و تصاویر نوشته شده بر روی دیوار مقاومت می‌کنند و یا پاک کردن آنها آسان باشد.
- به حداقل رساندن طراحی اشکالی که مجرمان خرابکار را جذب می‌کنند از قبیل دیوارهایی با فضای باز زیاد، نیمکت‌های کثیف و غیره و استفاده از لوازم مخالف خرابکاری بر روی دیوار.
- اجتناب از استفاده آجر سست، سنگ‌هایی که به راحتی شکسته می‌شوند و پنجره‌های خراب در چشم انداز.
- تغییر در طراحی فضاهای گم و فاقد دید بصری که بنا بر علل مختلف از جمله علل کالبدی، نبود روشنایی و آشکار نشدن جرم به علت تاریکی که فضاهای مناسبی را برای ارتکاب بزه فراهم می‌کند.

منابع و مأخذ

- ۳- بیات، بهرام، جعفر شرافتی پور و نرگس عبدی؛ پیشگیری از جرم با تکیه بر رویکرد اجتماع محور، طراحی و چاپ اداره تبلیغات، معاونت اجتماعی نیروی انتظامی - اداره کل مطالعات اجتماعی، ص ۴۰، ۱۳۸۷.
- ۴- کلانتری، محسن و مریم عبداللهی حقی؛ «کمبود توفقگاههای عمومی و تأثیر آن در وقوع سرقت وسایل نقلیه یا لوازم آن در بخش مرکزی شهر زنجان»، مجله اصلاح و تربیت، شماره ۱۲، صص ۱۷-۱۹.
- 13- Bo Grönlund, architect maa, sar, On CPTED - *Crime Prevention through Urban Design*, Written to the Radberg seminar 'Towards the Humane City for the 21st century', Stockholm 2000-09-28.
- 12- Remy, Melissa, Ocsar Newman's Theory of Defensible Space, www.newman.htm
- ۶- تن کین هون؛ «پیشگیری جرم از طریق طراحی محیطی، ترجمه علی سلطانی»، نشریه پلیس پیشگیری انتظامی، شماره اول، صص ۹۷-۱۴۸، زمستان ۱۳۸۵.
- 9- McCamley, Phil, *CRIME, DESIGN AND URBAN PLANNING: FROM THEORY TO PRACTICE*, first published in the Royal Australian Planning Institute magazine, New Planner, June 2001
- 11- Press, Mike. Rosie Erol, Rachel Cooper and Mike Thomas, *Design against crime: defining new design knowledge requirements*, Design Management Institute Conference Frankfurt, 2000
- ۵- قورچی بیگی، مجید؛ «مبانی نظری پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی (CPTED)»، مجموعه مقالات همایش منطقه‌ای پیشگیری وضعی از بزه‌کاری (دانشگاه آزاد ابرکوه یزد)، ص ۷۷، ۱۳۸۶.
- 8- Michael Cozens, Paul and Greg Saville, David Hillier, *Crime prevention through environmental design (CPTED): a review and modern bibliography*, Journal: Property Management, pp: 328-356, 2005
- ۱- اشنایدر، ریچارد و تدکیچن؛ برنامه ریزی شهری برای پیشگیری از جرم، ترجمه دکتر فرزانه سجودی، انتشارات میزان، سازمان تحقیقات و مطالعات ناجا، ۱۳۸۷.
- ۲- کلانتری، محسن؛ بررسی جغرافیایی جرم و جنایت در مناطق شهر تهران، پایان نامه دکتری، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۰.
- 10- G.Cineros, Henry, The "Broken Window" Theory, Seattle Police Department's website, janury 1995
- 7- Rapson Hall, Ralph, Increasing Safety using Crime Prevention through Environmental Design, College of Design University of Minnesota, Minneapolis, MN 55455 www.designcenter.umn.edu.
- ۱۴- جیسون، سوزان و پل آر. ویلسون؛ طراحی محیطی جرم ستیز، پیشگیری جرم از طریق طراحی محیطی، ترجمه: کلانتری، محسن و ابودر سلامی بیرامی، انتشارات دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا، ۱۳۸۷.
- 15- Chi pun chung, Edward, (2005), *use of GIS in campus crime analysis: A case study of the university of hong kong*. For the degree of master of geographic information systems at the university of Hong Kong .